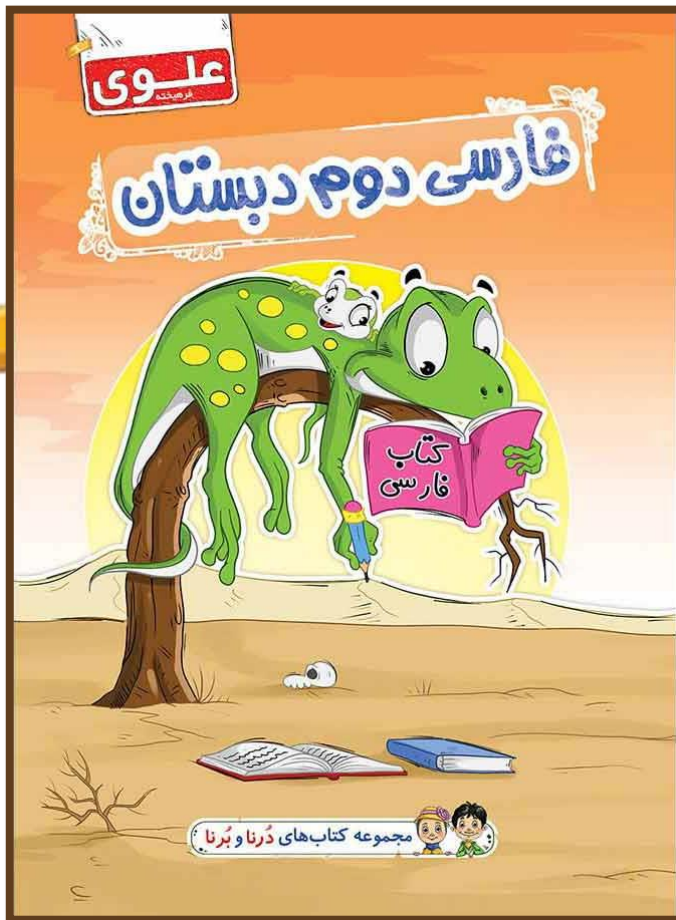




درس دهم
هنرمند

کلمات هم معنی

دیشب:

سعی:

فکر:

مخلف:

اندکی:

مشغول:

فرزند:

هنرمند:

سرگرم:

موفق:

صبر:

سفال گیر:

کلمات هم معنی

دیشب: شب قبل

سعی: تلاش

فکر: اندیشه

مخالف: ضد

اندکی: مقدار کمی

مشغول: سرگرم

فرزند: بچه

هنرمند: کسی که هنر دارد.

سرگرم: مشغول

موفق: پیروز

صبر: تحمل

سفالگر: کسی که با گل چیزهای زیبا می سازد.

کلمات مخالف

..... ≠ موفق

..... ≠ خیلی

..... ≠ سرگرم

..... ≠ هنرمند

..... ≠ بادقت

..... ≠ خوب

..... ≠ صبر

کلمات مخالف

.....موفق ≠ ناموفق

.....خیلی ≠ کمی

.....سرگرم ≠ بیکار

.....هنرمند ≠ بی هنر

.....بادقت ≠ بی دقت

.....خوب ≠ بد

.....صبر ≠ عجله

پدر به درنا و برنا گفت: بچه‌های عزیز، اگر می‌خواهید یک هنرمند خوب باشید، با دقت به همه چیز نگاه کنید و با صبر و حوصله کارهایتان را انجام دهید. درنا گفت: آیا من که نقاشی می‌کنم هنرمند هستم؟
پدر جواب داد: بله، نقاش، عکاس، سفال‌گر، قالی‌باف، خطاط، کاشی‌کار و ... هم هنرمند هستند.



تک‌ریم
تئاتر
سینما

دوربین فیلم‌برداری



تابلو
بوم
قلم‌مو
آبرنگ



چرخ سفال‌گری
مجل
کوره
کوزه

بخوان و بدان



آشنایی با زمان انجام کار در آینده

★ درناهنرمند است. ← درناهنرمند خواهد شد.

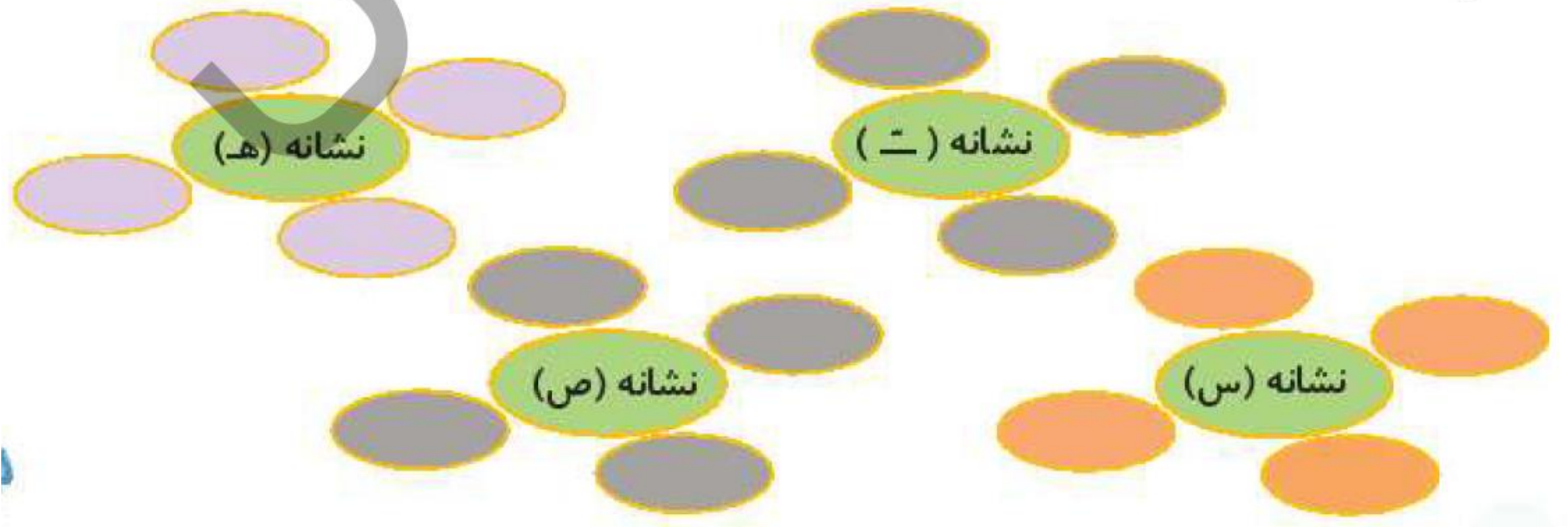
★ برنالباس پوشید. ← برنالباس خواهد پوشید.

★ بعضی کارها انجام شده و زمان انجام آن تمام شده است. مانند: من غذا خوردم.

★ بعضی کارها در حال انجام شدن هستند. مانند: من غذا می خورم.

★ بعضی کارها در زمان آینده انجام خواهند شد. مانند: من غذا خواهم خورد.

عزیزم با توجه به متن درس، برای هر نشانه چهار کلمه پیدا کن و بنویس.



عزیزم با توجه به متن درس، برای هر نشانه چهار کلمه پیدا کن و بنویس.

کارها

هنرمند

نشانه (هـ)

هم

هنر

حوصله

صبر

نشانه (ص)

دقت

عکاس

نشانه (ـِ)

نقاش

موفق

سرگرم

سعی

نشانه (س)

عکس

دوست

تصاویر و جمله‌های مرتبط را به هم وصل کن. (یک گزینه اضافی است.)



کسی که قالی می‌بافد.



کسی که طراحی می‌کند.



کسی که لباس می‌بافد.

کسی که کفش می‌دوزد.

تصاویر و جمله‌های مرتبط را به هم وصل کن. (یک گزینه اضافی است.)



کسی که قالی می‌بافد.

کسی که طراحی می‌کند.

کسی که لباس می‌بافد.

کسی که کفش می‌دوزد.



۲ درستى  و نادرستى  جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستى، درست آنها را بنویس.

الف: هر کارى که با دقت و فکر انجام گیرد، هنر است. ☐

ب: پدرم گفت: «تو عکاس خوبى خواهى شد.» ☐

پ: سفال گر با گل چیزهای زیبا مى سازد. ☐

ت: فقط عکاس ها هنرمند هستند. ☐

۳ هر کلمه را در جای مناسب بگذار.

سفال گری، عکاس، هنرمند

الف: نقاش یک است.

ب: هم یک هنر است.

پ: برای اینکه بتوانی یک عکس خوب بگیری، باید باشی.

۲

درستی  و نادرستی  جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آنها را بنویس.



الف: هر کاری که با دقت و فکر انجام گیرد، هنر است.



ب: پدرم گفت: «تو عکاس خوبی خواهی شد.»



پ: سفال گر با گل چیزهای زیبا می سازد.



ت: فقط عکاس ها هنرمند هستند.

۳

هر کلمه را در جای مناسب بگذار.

سفال گری، عکاس، هنرمند

الف: نقاش یک است.

ب: هم یک هنر است.

پ: برای اینکه بتوانی یک عکس خوب بگیری، باید باشی.

۲

درستی  و نادرستی  جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آنها را بنویس.

الف: هر کاری که با دقت و فکر انجام گیرد، هنر است. 

ب: پدرم گفت: «تو عکاس خوبی خواهی شد.»  هنرمند

پ: سفال گر با گل چیزهای زیبا می سازد. 

ت: فقط عکاس ها هنرمند هستند. 

۳

هر کلمه را در جای مناسب بگذار.

سفال گری، عکاس، هنرمند

الف: نقاش یک هنرمند .. است.

ب: سفال گری هم یک هنر است.

پ: برای اینکه بتوانی یک عکس خوب بگیری، باید ... عکاس باشی.

نام هر هنرمند را، همراه با سه واژه‌ی مربوط به آن در جاهای خالی بنویس.



.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

نام هر هنرمند را، همراه با سه واژه‌ی مربوط به آن در جاهای خالی بنویس.



خیاط

نخ سوزن

چرخ خیاطی



مجسمه ساز

چکش سنگ

طرح



نویسنده

خودکار کاغذ

میز

جملات را با توجه به قسمت داده شده کامل کن.

ما این کتاب را خریدیم.

علی امروز به مدرسه می‌رود.

من آن‌جا هستم.

من فردا

خواهیم

هفته‌ی آینده به مدرسه



جملات را با توجه به قسمت داده شده کامل کن.

ما این کتاب را خریدیم.

..... ما این کتاب را خواهیم خرید.

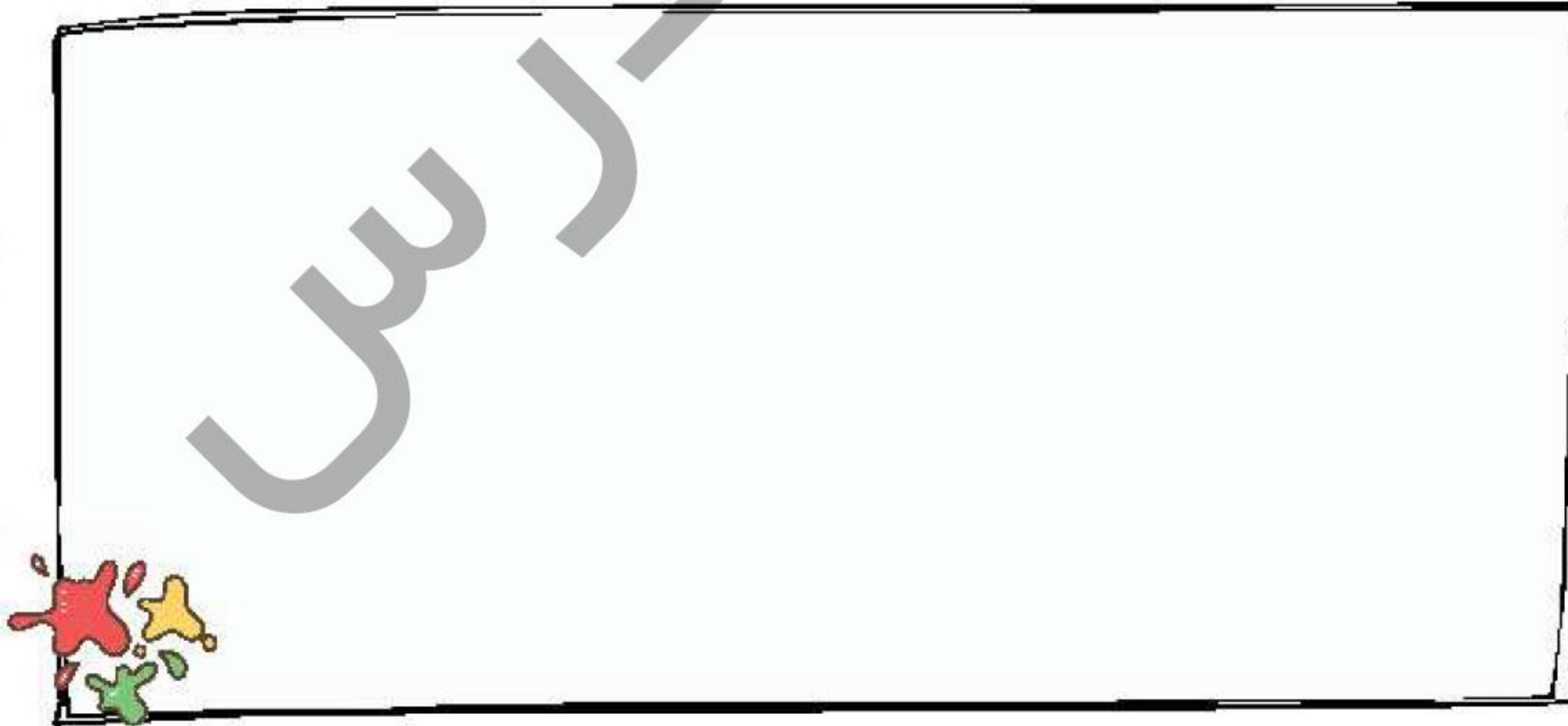
علی امروز به مدرسه می رود.

..... علی هفته ی آینده به مدرسه خواهد رفت

من آن جا هستم.

..... من فردا آن جا خواهم بود.

چه هنری را دوست داری؟ نقاشی کن و درباره‌ی آن دو جمله بنویس.



.....

.....

با کلمه‌های «هنرمند، پروانه و درخت، یک متن کوتاه بنویس.

.....

.....

.....

.....

حالا با توجه به متنی که نوشتی، ۲ سؤال طرح کن و از دوستانت بخواه تا جواب آن‌ها را بگویند.



۱

۲

۸ در هر دسته یک کلمه با بقیه تفاوت دارد، دور آن را خط بکش.

الف: دوربین - فیلم - آهنگ - عکاس

ب: سفالگر - گل - مجسمه - نخ

پ: رنگ - سینما - نقاش - قلممو

در هر دسته یک کلمه با بقیه تفاوت دارد، دور آن را خط بکش.



الف: دوربین - فیلم - آهنگ - عکاس

ب: سفالگر - گل - مجسمه - نخ

پ: رنگ - سینما - نقاش - قلممو

با توجه به سؤالات داده شده، گزینه‌ی مناسب را انتخاب کن.

الف: به کدام کلمه نمی‌توان، گر، اضافه کرد؟

(۱) کار

(۲) نمایش

(۳) آهن

(۴) دست

ب: کدام گزینه درست است؟

(۱) می‌خواهم ← خواهد خوابید

(۳) رفتی ← خواهید رفت

(۲) می‌آیم ← خواهیم آمد

(۴) زدند ← خواهند زد

پ: کدام گزینه‌ها در یک گروه قرار نمی‌گیرند؟

(۱) موسیقی، ساز، سنتور

(۲) سفال، گل رس، کوزه

(۳) سوزن، نخ، قلم‌مو

(۴) کتاب، مداد، نویسند

ت: کدام گزینه شعر زیر را کامل می‌کند؟

«بldم بگویم، بldم بخوانم، بldم خستگی‌ات را به بتکانم.»

(۱) شعر، قصه، نگاه

(۲) قصه، شعر، نگاه

(۳) شعر، قصه، سلامی

(۴) قصه، شعر، سلامی

با توجه به سؤالات داده شده، گزینه‌ی مناسب را انتخاب کن.

الف: به کدام کلمه نمی‌توان، گر، اضافه کرد؟

(۱) کار

(۲) نمایش

(۳) آهن

(۴) است

ب: کدام گزینه درست است؟

(۱) می‌خواهم ← خواهد خوابید

(۲) رفتی ← خواهید رفت

(۲) می‌آیم ← خواهیم آمد

(۴) دند ← خواهند زد

پ: کدام گزینه‌ها در یک گروه قرار نمی‌گیرند؟

(۱) موسیقی، ساز، سنتور

(۲) سفال، گل رس، کوزه

(۳) سوزن، نخ، قلم‌مو

(۴) کتاب، مداد، نویسند

ت: کدام گزینه شعر زیر را کامل می‌کند؟

«بldم بگویم، بldم بخوانم، بldم خستگی‌ات را به بتکانم.»

(۱) شعر، قصه، نگاه

(۲) قصه، شعر، نگاه

(۳) شعر، قصه، سلام

(۴) قصه، شعر، سلام

روزی روزگاری، در جنگل بزرگی، مردی پیاده روی می کرد که ناگهان حیوان بزرگی را دید که از دور به سوی او می آید. پس فرار کرد، اما جایی برای پنهان شدن پیدا نکرد. چشمش به چاهی افتاد و فوری درون آن رفت و پایش را روی تکه چوبی گذاشت که در چاه بود.

حیوان بزرگ از آنجا عبور کرد و رفت. مرد تا خواست از چاه بیرون بیاید، دو راسو به سمت چاه آمدند و بالای آن نشستند. مرد بسیار ترسیده بود و اطراف خودش و داخل چاه را نگاه کرد. روبه رویش کندوهای زنبور عسل بود و بوی خوش عسل را حس می کرد. اما وقتی چشمش به پایین افتاد، چند مار و یک اژدها دید. نمی دانست از ترس چه کار کند.

کمی گذشت. بسیار گرسنه شده بود. شروع به خوردن عسل ها کرد. عسل ها کاملاً حواسش را پرت کردند و مار و اژدها و راسوها از یادش رفتند. ناگهان پایش لیز خورد و درون چاه افتاد و اژدها و مارها به او حمله کردند.

«کليلة و دمنه، باب برزويه طبيب»

الف: چه چیزی حواس مرد را بیشتر از همه پرت کرد؟

ب: چرا وقتی مرد، حیوان بزرگ را دید، فرار کرد؟

پ: به نظر تو مرد داستان، چگونه آدمی بود؟

ت: اگر تو جای نویسنده بودی، چگونه داستان را تمام می کردی؟



الف: چه چیزی حواس مرد را بیشتر از همه پرت کرد؟

کندوی عسل.

ب: چرا وقتی مرد، حیوان بزرگ را دید، فرار کرد؟

می ترسید حیوان به او حمله کند.

پ: به نظر تو مرد داستان، چگونه آدمی بود؟

طمع کار، بی فکر

ت: اگر تو جای نویسنده بودی، چگونه داستان را تمام می کردی؟

مرد با کمک راسوها و زنبورها
خودش را از چاه بیرون می آورد.





افشین علا

افشین علا در چهارم فروردین ۱۳۴۸ در شهرستان نور در استان مازندران متولد شد. او از کودکی شعر می‌سرود و اولین مشوق او مادرش بود. در نوجوانی تحت تاثیر محمود کیانوش شاعر کودک و نوجوان قرار گرفت و اشعار زیادی در همین زمینه سرود. یکی از سوابق درخشان کاری او سردبیری برنامه «شب‌بخیر کوچولو» در رادیو بود.



پخوان و پشنامس